

معرفی مباحثه نامه سال ۱۱۲۵ هجری قمری

بلوک کوهسار در قباله کربلایی صفر



✽ ابوذر خسروی

مقدمه

کربلایی صفر فارسیانی، از بزرگان روستای تاریخی فارسیان (گالیکش) در اواخر دوره صفویه و در سنه ۱۱۲۵ ه. ق، سال بیستم حکومت شاه سلطان حسین صفوی، بخشی از الکا و ملک متصرفی ایل گرایلی را به همراه دو تن دیگر از بزرگان این روستا، خریداری کرده است. فارسیان از نظر تقسیمات کشوری در دوره قاجار و قبل از آن در محدوده جغرافیای سیاسی «محال کهسار» یا «بلوک کوهسار» قرار داشته است. در منابع و اسناد تاریخی، ضمن برشمردن بلوکات ایالت استرآباد، شرقی‌ترین نقطه این ایالت را بلوکی مستقل به شمار آورده‌اند.

«تایلو تامسون» در سال ۱۲۶۲ ق (۱۲۲۵ ش) ایالت استرآباد را دارای ۷ بلوک دانسته و آورده است: ایالت استرآباد به هفت بلوک بدین شرح تقسیم می‌شود: ۱- انزان ۲- کرد محله ۳- سدن رستاق ۴- استرآباد رستاق ۵- کتول ۶- فندرسک ۷- کوهپایه (اخوان مهدوی، ۱۳۹۶: ۲۲۷-۲۲۸). منظور از بلوک کوهپایه همان «کوهسار» است.

در سرشماری سنه ۱۲۷۶ ه. ق که در دوره ناصرالدین شاه صورت گرفته، بلوکات استرآباد به شرح ذیل آمده است: «۱- بلوک انزان ۲- بلوک سدن رستاق ۳- بلوک استرآباد رستاق ۴- دهات ملک آقا یا میرمحله ۵- بلوک کتول ۶- بلوک فندرسک ۷- بلوک کوهسار ۸- نیم بلوک حاجیلر ۹- بلوک شاهکوه ساور ۱۰- بلوک قنچی چناشک (قورخانچی، ۱۳۶۰: ۱۰۵ الی ۱۳۲).

در گزارشی که قورخانچی در دوره مظفرالدین شاه از ایالت استرآباد داده است، بلوکات این ایالت را اینگونه ذکر کرده است: ۱- شاهکویین ۲- استرآباد رستاق ۳- سدن رستاق ۴- انزان ۵- دهات ملک ۶- فندرسک ۷- کتول ۸- چهارده قانچی فارسیان ۹- کوهسار (همان، ۱۳۶۰: ۲۸ الی ۳۱).

✽ فعال فرهنگی

در اسناد تاریخی سادات قاضوی دوزین - مرکز بخش کوهسارات شهرستان مینودشت - از جمله در عرضه داشت سنه ۱۱۶۷ ه. ق (دوره کریم خان زند)، و حکم سنه ۱۲۱۹ ه. ق (دوره فتحعلی شاه قاجار) و حکم سنه ۱۲۵۲ ه. ق (دوره محمد شاه قاجار) و همچنین در یکی از اسناد تاریخی فارسینان از «محال کهسار» نام برده شده است. در حکم دیگری از سادات قاضوی دوزین سنه ۱۲۵۹ ه. ق (دوره محمد شاه قاجار) نام «بلوک کوهسار» آمده است. در برخی منابع، بلوک یا محال کوهسار را بلوکی مستقل به حساب نیاورده و زیر مجموعه بلوک فندرسک در نظر گرفته‌اند.

محدوده تاریخی بلوک کوهسار مطابق سرشماری سنه ۱۲۷۶ ه. ق که در نخبه سیفیه آمده است؛ از ده چناشک و قلعه قافه در شهرستان مینودشت تا فارسینان و فرنگ در شهرستان فعلی گالیکش بوده است. در گرگان نامه (نخبه کامرانی) محدوده جغرافیای سیاسی کوهسار را به شرح زیر آورده است: «دهات متعلق به کوهسار فندرسک؛ انتهای این دهات از مشرق جنوبی به گوگلان و جوین و جاجرم و نردین و بجنورد و خراسان است و از گردنه زردآلو از جنوب به بسطام منتهی می‌شود (ذبیحی، ۱۳۶۳: ۱۰۲-۱۰۳).

با توجه به اینکه فارسینان در گذشته جزو بلوک یا محال کهسار بوده است، لذا معامله ملک متصرفی ایل گرایلی در دهنه آق قمیش به طور طبیعی بر وسعت این بلوک افزوده و برای آن واقعه‌ای تاریخی محسوب می‌شود.

اهمیت تاریخی قباله کربلانی صفر

۱- نام بسیاری از روستاهای تاریخی و مکان‌ها، رودها، چشمه‌ها و تپه‌های شهرستان گالیکش بخصوص بخش لوه و بعضی نقاط دیگر در این قباله آمده است که نشان می‌دهد این نام‌های تاریخی از بیش از سه قرن پیش وجود داشته‌اند. برخی از نام‌ها فارسی و برخی ترکی است که نام‌های ترکی یادگار سکونت ایل گرایلی در این منطقه است که به شرح ذیل می‌آید:

الف) اسامی روستاهای ذکر شده در قباله:

۱- فرسیان: نام قدیم فارسینان گالیکش است که در برخی از اسناد دیگر به صورت «پرسیان» نیز آمده است.

۲- فرنگ: روستایی در جنوب شرقی فارسینان و در شهرستان گالیکش است.

۳- آق قمیش: روستایی عمدتاً ترکمن‌نشین در بخش لوه که اقوام دیگر نیز در آن ساکن هستند.

۴- داروا (دارآباد) و منجالو: دو روستای بخش لوه که بعد از مهاجرت بلوچ‌ها به استان گلستان و شهرستان گالیکش محل سکونت آنها قرار گرفته است.

۵- کورنگ (کرنگ کفتر) و لوحه (لوه): دو روستای فارس‌نشین بخش لوه در شهرستان گالیکش هستند. امروزه نام تاریخی «لوحه» به صورت «لوه» تلفظ می‌شود.

۶- حافظ‌آباد: مرحوم پدرم حاج سلیمان خسروی روستای حاج سیدی در بخش لوه را محل روستای حافظ‌آباد می‌دانستند. اما در این زمینه سندی وجود ندارد.

۷- دوه داسی و دلنگی: محل دقیق این دو روستا یا مکان نامعلوم است.

۸- قراول: دو روستای قراول شاه نظر (چقر شیرملی) و قراول حاجی تاجی در حال حاضر جزو شهرستان کلاله محسوب می‌شوند.

۹- دوزین: این روستای تاریخی حدود دو سال است که تبدیل به شهر شده و مرکز بخش کوهسارات شهرستان مینودشت است.

۱۰- کاشی دار: روستایی از توابع بخش چشمه ساران شهرستان آژدر است.

ب) نام مکان‌ها، نهرها، چشمه‌ها و تپه‌های تاریخی ذکر شده در قباله:

۱- تپه قره گلند: تپه‌ای تاریخی در حد فاصل دو روستای قراول و پاسنگ در شهرستان‌های گالیکش و کلاله

۲- طاغوی: کمر یا صخره‌ای بین دو روستای پاسنگ و چقر بش قارداش در بخش لوه

۳- سنگ بنه: نام مکانی در روستای کرنگ کفتر در بخش لوه

۴- نهر لوحه و نهر شرملی: دو نهر در روستاهای لوحه و اجن شیر ملی در بخش لوه

۵- چشمه لوحه، چشمه منجالو و دو چشمه در حماملی کورنگ: حماملی نام مکانی در روستای کرنگ کفتر است.

۲- در قباله کربلائی صفر محل دقیق سکونت بخشی از ایل گرایلی و ایشکی در دوره شاه سلطان حسین صفوی مشخص شده است که از نظر تاریخی منبع مهمی محسوب می‌شود. «گرایلی‌ها به احتمال زیاد به هنگام حمله مغول از ترکستان و آسیای میانه مهاجرت کرده و پس از چند کوچ و جابجائی، سرانجام در ایالت استرآباد و حدود دشت حلقه در نزدیکی آق امام کنونی استقرار یافته و سپس به حوالی نشیمن گوگلان‌ها رفتند.» (معطوفی، ۱۳۸۹: ۵۷۶-۵۷۷) این ایل پر جمعیت بعد از ورود به خراسان در مناطقی از بجنورد، سملقان تا جاجرم پراکنده و تیره‌ای از آنها در محدوده فعلی شهرستان گالیکش ساکن می‌شوند.

گرایلی‌ها در دوره صفویه کر و فر فراوان داشته‌اند. بعد از محاصره بسطام توسط ازبک‌ها در دوره شاه طهماسب اول، میرزا علی خلیفه گرایلی به کمک حاکم بسطام رفته و ازبک‌ها را شکست می‌دهند (اسکندر بیک منشی، ۱۳۸۷: ۵۹). در سال نهم حکومت شاه عباس اول و زمان حرکت او به سوی خراسان، علیخان گرایلی به «موکب همایون» ملحق نمی‌شود و به شاه عباس گستاخی می‌کند. تا اینکه شاه عباس برای دفع فتنه او ایالت گرایلی را به دو قسمت تجزیه می‌کند. (همان: ۵۱۰-۵۱۱)

ایل گرایلی دارای الکا و سرزمین مخصوص به خود بوده است. مطابق وقایع ذکر شده در کتاب عالم آرای عباسی و متن قباله کربلائی صفر، بخش عمده محدوده ایالت گرایلی در دوره صفوی از شهرستان فعلی گالیکش تا جاجرم و حوالی اسفراین و بجنورد بوده است. اسکندر بیک ترکمان، جاجرم، قلعه پای حصار، روغد و بعضی محال دیگر را جزء الکا و ملک گرایلی می‌داند و می‌نویسد: علیخان گرایلی از طریق اخلاص و یکدلی منحرف گشته،

سالک طریق عصیان و طغیان شد و حضرت اعلی (شاه عباس اول) از الکای او، جاجرم و بعضی محال را به توکل خان گرایلی و قلعه پای حصار و روغد و بعضی محال دیگر را بدرویش خلیفه تفویض فرمودند (همان: ۵۴۱).

لذا این احتمال وجود دارد که جاجرم برای دوره ای مرکز الکا یا ملک گرایلی و محل استقرار خان یا حاکم این ایل بوده باشد. معطوفی به نقل از احسن التواریخ در ذکر حوادث دوره کریم خان زند می‌نویسد: «اما جهانسوز که در این ایام که در فندرسک و کیود جامه (مینودشت) بود «با کومک کمال خان افغان و الله ویردی خان گرایلی، حاکم جاجرم که ۱۰۰۰ سوار یموت و گوگلان و گرایلی فراهم نموده بود، از دامغان به سوی رادکان، ساور و سپس نوکنده آمدند» (معطوفی، ۱۳۹۴: ۶۷). نکته قابل ذکر این است که در زمان معامله ملک گرایلی بین بزرگان این ایل و کربلائی صفر فارسیانی، سه نفر از بزرگان جاجرم به نام های بهمن بیک جاجرمی، زمان بیک جاجرمی و شیرخان بیک جاجرمی به عنوان گواه در قباله ذکر شده‌اند. موارد ذکر شده باعث تقویت احتمال مرکز بودن «جاجرم» برای ایل گرایلی در دوره صفوی می‌شود.

به طور قطع فروش بخشی از الکا یا ملک گرایلی در اواخر دوره صفویه نمی‌توانسته بدون اجازه و رخصت خان و حاکم ایالت گرایلی بوده باشد. لذا رمضان خان گرایلی که در قباله کربلائی صفر نامش به عنوان نفر نخست بزرگان این ایل آورده شده و به نیابت از خود و «وکالتاً از جانب تمام قبایلی که مشهور به طایفه گرایلی و ایشکی» بودند، این معامله بزرگ را با کربلائی صفر انجام داده، احتمالاً حاکم ایالت گرایلی بوده است و حتی ممکن است محل استقرار او نیز جاجرم بوده باشد.

چون تنها خان و حاکم ایالت گرایلی از این اختیار و قدرت برخوردار بوده است که به نیابت و وکالت از جانب تمام قبایل گرایلی و ایشکی، بخشی از الکای این ایل را به بزرگان فارسیان بفروشد. در زمان تنظیم این معامله تاریخی، بزرگانی از فرسیان (فارسیان)، دوزین، فرنگ، کاشی دار، جاجرم و گرایلی حضور داشته‌اند. قباله کربلائی صفر نشان می‌دهد که فارسیان در اواخر دوره صفویه روستایی بزرگ، آباد و با مردمانی ثروتمند بوده است که توانایی خرید بخشی از ایالت گرایلی را داشته‌اند.

در سفرنامه خراسان و سیستان به آثار باقی مانده از شهر گرایلی و همچنین روستای ایشکی در دهنه آق قمیش گالیکش و محدوده ملک مورد معامله در قباله کربلائی صفر اشاره شده است. «لحظه‌ای که به دشت گرگان رسیدیم، دشت در ابتدای گردنه واقع می‌شد، با طی کردن این قسمت از راه که ۱۱ مایل بود، کم کم ۳۳۰ متر از ارتفاع کاسته شد تا اینکه به ایشکی رسیدیم. ایشکی دهکده کوچک و جمع و جوری بود که در آن ۲۰ خانوار ترک زندگی می‌کردند. بعد از ایشکی راه ما از مسیری پوشیده از جنگل برای ۱۴ مایل پیش می‌رفت تا به شغال تپه می‌رسید.» (کلنل بیت، ۱۳۶۵: ۱۹۵)

طبق گزارش کلنل بیت روستای ایشکی حد فاصل شغال تپه (شهر فعلی صادق آباد) تا روستای تنگراه قرار داشته است که در حال حاضر هیچ نشانی از آن وجود ندارد.

او در ادامه می‌نویسد: «چهار میل پایین تر از ایشکی مسیر ما شروع به پهن شدن نمود تا اینکه کلاً به زمین‌هایی هموار و باز رسیدیم. در اینجا قبرستانی وجود داشته که می‌گفتند متعلق به ترک‌های گرایلی ساکنین اولیه این منطقه بوده است. در پنج میلی پایین دست شغال تپه از ویرانه‌های شهرک و قبرستان دیگری که به گرایلی‌ها تعلق داشته است، عبور کردیم، و اینها خود نشانه‌هایی است از اینکه در این ناحیه زمانی جمعیت انبوهی زندگی می‌کرده است.» (همان: ۱۹۶ الی ۱۹۸) ایل گرایلی حتی در کالپوش نیز شهری داشته‌اند. محمد شاه قاجار که برای تنبیه تراکمه یموت و گوگلان به سوی گرگان و اترک آمده بوده است «پس از گوشمالی تراکمه به کالپوش آمده و از شهر گرایلی به دشت وارد و در بی بی شروان نزول اجلال (بر می‌گزیند)» (معطوفی، ۱۳۸۹: ۵۷۷).

کربلانی صفر فارسیانی و طایفه او

در متن قباله خریداران ملک گرایلی اینگونه ذکر شده‌اند: «توفیق آثار کربلانی صفر ولد (آسیب دیدگی قباله متن را ناخوانا کرده است) و قاسم ولد میرزا فاضل و عبدالسمیع بیک ولد آقا رضا سلطان ساکنین فرسیان» که نشان می‌دهد کربلانی صفر و شرکاء او در ۳۱۵ سال قبل و در دوره شاه سلطان حسین صفوی ساکن فرسیان (پرسیان - فارسیان) بوده‌اند. از بین اسامی ذکر شده فقط اولاد طایفه کربلانی صفر از آن دوران تاکنون در فارسیان سکونت دارند و از بازماندگان و نوادگان «قاسم ولد میرزا فاضل و عبدالسمیع بیک ولد آقا رضا سلطان» هیچ اثر و نشانی در فارسیان باقی نمانده و اطلاعی از آنها در دست نیست.

یکی دیگر از یادگاری‌های کربلانی صفر، حفر نهری طولانی از چشمه لوه تا کرنگ کفتر و دارآباد است که آن را جهت آبیاری زمین‌های خود در ملک گرایلی کنده بوده است. این نهر در مجموعه اسناد تاریخی این طایفه، به صورت «نهر ملا صفر فارسیانی» و «بند ملا صفر علی» ذکر شده است. هنوز آثاری از این نهر حد فاصل لوه تا کرنگ کفتر قابل مشاهده است.

بزرگان طایفه کربلانی صفر در گذشته دارای القابی سیاسی، نظامی و مذهبی بوده‌اند. جد بزرگ این طایفه در دوره صفوی به کربلا مشرف شده و دارای لقب «کربلانی» است. در برخی اسناد از او با عنوان «ملا صفر» و «ملا صفر علی» یاد شده است. کربلانی صفر دارای دو پسر به نام‌های محمد نبی و محمد تقی بوده است. محمد تقی (مدتقی) مقام حکومتی و لقب «سلطان» داشته و معروف به «تقی سلطان» یا «مدتقی سلطان» بوده است. در یکی از نامه‌های تاریخی از ایشان با عنوان «تقی سلطان» یاد شده است. در کتب تاریخی دوره صفویه القاب «خان»، «سلطان» و «بیک» به وفور آمده است.

مقام «خان» بالاتر از «سلطان» و مقام «سلطان» بالاتر از «بیک» بوده است. بسیاری از امرای قزلباش و «غلامان خاصه» به طور مستقیم توسط شاهان صفوی «بر تبه ایالت و خانی و مرتبه امارت و سلطانی» سرفراز می‌شدند (اسکندر بیک، ۱۳۸۷: ۱۰۸۸). بنابراین «تقی سلطان» پسر کربلانی صفر، مقام مهمی در منطقه «محال یا بلوک کوهسار» داشته است. قدرت و اختیارات این مقام در دوره‌های گوناگون متغیر بوده است. تقی سلطان یک پسر به نام «دهباشی علیتقی» داشته و

علینقی نیز دارای دو پسر به نام های «دَه باشی حسین» و «کربلانی صفر» (هم نام کربلانی صفر اول) بوده است. دهباشی لقبی نظامی است. «در سپاه ایران کوچکترین واحد مرکب از «ده نفر» و فرمانده آن «ده باشی» خوانده می شود. بعد واحد مرکب از «صد نفر» است که فرمانده آن به اسم «یوز باشی» است. بالاخره واحد شامل هزار نفر که فرمانده آن را «مین باشی» می گویند. منصب «یوز باشی» و «مین باشی» بنابر پیشنهاد فرمانده رسته مربوطه و تصویب شاه، اعطاء می گردد و منصب «دَه باشی» را خود فرمانده رسته می دهد.» (سالک، ۱۳۸۸: ۱۹۵-۱۹۴)

نوادگان کربلانی صفر فارسینی در حال حاضر در روستاهای فارسین، کورنگ کفتر، پاستنگ و شهرهای گالیکش، گنبد و گرگان و ... سکونت دارند.

نویسنده: ابوذر خسروی فرزند حاج سلیمان فرزند علی اکبر فرزند کربلانی صفر (دوم) فرزند دهباشی علینقی فرزند تقی سلطان فرزند کربلانی صفر فارسینی (اول)

متن سند

مبايعه نامه سنه ۱۱۲۵ ه . ق

قباله کربلانی صفر اول ، جد بزرگ طایفه کربلانی صفر فارسین

دوره: شاه سلطان حسین صفوی

مبايعه نامه تمامی و همگی شش دانگ نهر و ملک از دهنه آق قمش شامل چهار آوش: از تپه قره گلند و قراول و طاغوی چقر تا منجالوی داروا، کورنگ کفتر، چشمه و نهر لوحه و نهر شرملی از اراضی آبی و دیمی و از انهار و مرتع تا تلال و جبال آن دهنه بین کربلایی صفر جد بزرگ طایفه کربلایی صفر فارسین و قاسم ولد میرزا فاضل و عبدالسمیع بیک ولد آقا رضا سلطان ساکنین فارسین با بزرگان ایل گرلی و ایشکی، رمضان خان ولد اسفندیار ، محمد بیک ولد میرزا خان و رحیم بیک ولد بیک گرلی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذی احل البیع و الشری و حرم الغصب و الربا و الصلوه و السلام علی خیر خلقه محمد و آله فاما بعد بفروختند به مبايعه مقاطعه صحیحه شرعیه اسلامیه رمضان خان ولد مرحوم اسفندیار و محمد بیک ولد مرحوم میرزا خان و رحیم بیک ولد مرحوم بیک گرلی از جانب خود و کالتا از جانب تمام قبایلی که مشهور به طایفه گرلی و ایشکی در حالت صحت جسم و سلامت عقل بلا اکراه و الاجبار بل بالطوع و الرغبه در حالی که محرض و نافذ بود از ایشان جمیع اقراریر شریعه بعالیجهان توفیق آثار کربلایی صفر (و) قاسم ولد مرحوم میرزا فاضل و عبدالسمیع بیک ولد مرحوم آقا رضا سلطان ساکنین فارسین همگی و تمامی شش دانگ نهر و ملک از دهنه آق قمش مجرای آن نهر مشهور به نهر لوحه مع اراضی آبه و دیمی از عیون و انهار، از مرتع و از تلال و جبال. اسامی عیون: چشمه لوحه، دو چشمه در حماملی کورنگ، یک چشمه منجالوی داروا، یک چشمه

اسامی آوش: آوشها از قرار ذیل؛ سه آوش فوق(؟) از سرچشمه لوحه مشهور به نهر لوحه، چهار آوش از کورنگ الی سنگ بونه (بنه؟)، چهار آوش از سنگ بونه الی طاغو، پنج آوش از طاغو

الی قره گلند، محدود به حدود اربعه ذیل: شرقیا اوله (؟) تپه قراول الی، غربیا تپه قره گلند، جنوبیا دوه داشی و دلنگی، شمالیا رود مذکور و نهر شرملی و حافظ آباد. بایعون بفروختند و مشتریون بخریدند. خریدند و فروختن علی قانون شرع به مبلغ چهار هزار تومان وجه رایج خزانه عامره. بایعون در مجلس بیع اخذ کل ثمن نمودند و از بیع مذکور تخلیه ید نمودند کما تصرف الملاک فی املاکهم و ذوی الحقوق فی حقهم. مشتریون بتصرف مالکانه خود در آوردند و دعوی غبن الغبن فحش بل افحش آن را مصالحه نمودند به دستار نمک معارفی و سه صلوات محمدی. بایعون ضامن درک شرعی کردند که هر زمان در بیع مذکور فسادی واقع شود از عهده برآیند و صیغه مصالحه فیما بینهما به نهج شرع انور واقع و جاری گردید.

تحریر به تاریخ چهاردهم محرم الحرام سنه ۱۱۲۵ (ه.ق)

الشاهد علی ذلک اسفندیار بیک فرسیانی	الشاهد علی ذلک بهبود بیک
الشاهد علی ذلک مغفور بیک فرسیانی	الشاهد علی ذلک غریب بیک
الشاهد علی ذلک رحیم بیک فرنگی	علاوه بر شاهدین فوق، ۱۳ نفر دیگر بر روی مبیاعه
الشاهد علی ذلک سهراب بیک فرنگی	نامه مهر زده‌اند که بجز چهار مهر زیر، متن بقیه
الشاهد علی ذلک تراب بیک دوزینی	خوانا نیست
الشاهد علی ذلک مهدی قلی بیک کاشی داری	مهر: نوروز محمد
الشاهد علی ذلک بهمن بیک جاجرمی	مهر: قربانعلی
الشاهد علی ذلک زمان (؟) بیک جاجرمی	مهر: یا علی
الشاهد علی ذلک شیرخان بیک جاجرمی	مهر: رحیم
الشاهد علی ذلک رمضان بیک	* برخی کلمات به خاطر آسیب دیدگی قباله، ناخوانا
الشاهد علی ذلک رفیع بیک	هستند که در متن به صورت نقطه چین آورده شد.

منابع:

- اخوان مهدوی، محمود، آلبوم خانه استرآباد، نشر بنام وابسته به موسسه فرهنگی میرداماد، گرگان: ۱۳۹۶.
- ترکمان، اسکندر بیک، تاریخ عالم آرای عباسی، موسسه انتشارات امیر کبیر، تهران: ۱۳۸۷.
- ذبیحی، مسیح، گرگان نامه، انتشارات بابک، تهران: ۱۳۶۳.
- رابینو، ه. ل.، مازندران و استرآباد، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران: ۱۳۶۵.
- سالک، داوود، زندگی پر ماجرای نادر شاه افشار، نشر علم، تهران: ۱۳۸۸.
- قورخانچی، محمد علی (صولت نظام)، نخبه سیفیه، به کوشش اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان، نشر تاریخ ایران، تهران: ۱۳۶۰.
- معطفوی، اسدالله، تاریخ و پیشینه اجتماعی سرخنگلاته، زیارت و شاهکوه، انتشارات مختومقلی، گرگان: ۱۳۸۹.
-، تاریخ و پیشینه اجتماعی شهرستان بندر گز (بلوک انزان)، انتشارات نوروزی، گرگان: ۱۳۹۴.
- پیت، چارلز ادوارد، خراسان و سیستان، سفر نامه کلنل پیت به ایران و افغانستان، ترجمه قدرت الله روشنی و مهرداد رهبری، یزدان، تهران: ۱۳۶۵.

Handwritten Arabic text on aged, stained paper, likely a manuscript or historical document. The text is arranged in columns and includes several circular stamps or seals. The script is a form of Arabic calligraphy, possibly Maghrebi or Ottoman style. The paper shows signs of significant wear, including discoloration and some damage.

Vertical text on the left margin, possibly a library or archival stamp.

166

